

واکاوی علل تغییر الگوی سنی ازدواج روستاییان

غلامرضا تاج‌بخش^۱
محمد رضا پویافر^۲

چکیده

تغییر الگوی سنی ازدواج و بالارفتن آن، به همراه پیامدهایی که در سطوح سه‌گانه فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد، به یکی از مسائل مهم اجتماعی در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. این پژوهش که از نوع کاربردی و از نظر روش، پیمایشی و از نظر نوع، توصیفی است، به بررسی عوامل مؤثر در تغییر الگوهای حاکم بر سن ازدواج روستادین در شهرستان ایلام پرداخته است.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان و مردان واقع در گروه سنی ۱۸-۴۰ سال روستاهای شهرستان ایلام بود. حجم نمونه به تعداد ۳۷۵ نفر از طریق جدول مورگان انتخاب شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بهره گرفته شد. برای گردآوری اطلاعات نیز از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید که روایی آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردید. شاخص‌های آماری توصیفی مورد استفاده، عبارت بودند از: جداول فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد (جهت عینی‌تر شدن نتایج به‌دست‌آمده). به منظور تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌های پژوهش نیز از روش همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های سطح انتظارات افراد، ازدواج‌هراسی به واسطه وجود ناهنجاری‌های اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، مدرنیته و مادی‌گرایی، دسترسی به فضاهای همسرگزینی، ادامه تحصیل و وضعیت روانی در تحولات سنی ازدواج جوانان تأثیر دارند. یافته‌های استخراج‌شده همچنین حاکی از آن است که بالارفتن سن ازدواج و گرایش به زندگی مجردی و رویگردانی از امر ازدواج به صورت یک معضل و آسیب اجتماعی، روند فزاینده‌ای در جامعه دارد که ضرورت دارد برنامه‌ریزان و مسئولان به این مهم توجه نمایند.

واژگان کلیدی: الگوی سنی ازدواج، مدرنیته، جوانان، ایلام

مقدمه و بیان مسئله

بحران‌های خزننده‌ای همچون افول نرخ رشد جمعیت، بالارفتن سن ازدواج، کاهش نیروی انسانی، سونامی سالمندی و ... که در حال گسترش است توجه متخصصان را به خود جلب کرده است تا با اصلاح الگوی جمعیت از بحران و رکود جمعیتی که کشورهای غربی دچار آن هستند جلوگیری شود. با عنایت به لزوم ارتقای شاخص‌های مهم جمعیتی، مقام معظم رهبری با دیدگاهی کلان، جامع و آینده‌نگرانه اصول ۱۴ گانه‌ای را جهت هدایت سیاست‌های کلی جمعیت و نقش گسترده‌ای را برای کلیه نهادها و سازمان‌های متولی و تأثیرگذار مشخص نمودند. مطابق بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل کارآمد از وظایف مهم دستگاه‌ها و ارگان‌های اجرایی کشور است (تاجبخش، ۱۴۰۰: ۲۳).

در چند دهه اخیر، به دلیل تحولات اجتماعی و تغییرات سریعی که در ساختار اجتماعی ایران پدید آمده، شکل، ساخت و نقش خانواده و به تبع آن، وضع زناشویی جمعیت این کشور نیز دستخوش تغییر گشته است. افزایش شهرنشینی، فروپاشی خانواده گسترده و شبکه خویشاوندی، افزایش سطح سواد عمومی و تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات زنان و اشتغال بیشتر آنان در فعالیت‌های برون خانواده، افزایش هزینه زندگی، به‌ویژه هزینه مسکن، ازدواج و جهیزیه، کاهش ارزش اقتصادی و افزایش هزینه فرزند، رواج نسبی تفکر عقلانی و اشاعه نوآوری از جمله عوامل مؤثر در تحول وضع زناشویی جمعیت ایران بوده‌اند. در این رابطه تغییر الگوی سنی ازدواج بیش از همه نمایان است و از کاهش پیش‌رسی ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش نسبت ازدواج‌کرده‌ها در گروه‌های سنی بیش از ۳۰ سال حکایت دارد که ادامه روند آن منجر به کاهش عمومیت ازدواج در سال‌های آینده خواهد شد (مهاجرانی، ۱۳۸۹: ۵۳).

بالا رفتن سن ازدواج، یکی از پدیده‌های مهم در تغییرات جمعیتی است که طی دو قرن اخیر ابتدا جوامع اروپایی، سپس کشورهای در حال

توسعه با آن روبه‌رو بوده‌اند. این موضوع از جهات مختلف اهمیت دارد؛ چراکه با به تأخیر افتادن ازدواج، نه فقط ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند؛ بلکه الگوی زاد و ولد و ساختار جمعیت نیز دچار دگرگونی می‌شود. عوامل مختلفی بر بالا رفتن سن ازدواج تأثیر می‌گذارند که از جمله آنها می‌توان به صنعتی شدن جوامع و مشارکت بیشتر زنان در نیروی کار؛ همچنین بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و موقعیت‌های اجتماعی آنان و تغییر نگرش آنان به مقوله ازدواج و در نتیجه بیشتر شدن انتظارات آنان برای ازدواج با همسری مناسب اشاره نمود.

بررسی الگوی سنی افراد دارای همسر به تفکیک جنس در سرشماری‌ها نشان می‌دهد که در الگوی سنی دو جنس تفاوت‌هایی وجود دارد؛ برای مثال درصد زنان دارای همسر در سنین زیر ۳۰ سال نسبت به مردان در همین سنین بیشتر است و زنان زودتر ازدواج می‌کنند؛ از طرفی در سنین میان‌سالی (۴۵ یا ۵۰ سال به بالا) نیز به تدریج درصد مردان دارای همسر نسبت به زنان دارای همسر بیشتر است. تبیین جامعه‌شناسی این پدیده به رفتار متفاوت دو جنس پس از جدایی (بر اثر طلاق یا فوت همسر) برمی‌گردد. بیشتر مردانی که در اثر فوت یا طلاق، بی‌همسر شده‌اند، مجدد ازدواج کرده‌اند. این در حالی است که زنان در سنین میان‌سالی به بالا، بعد از فوت یا طلاق، گرایش کمتری نسبت به ازدواج مجدد از خود نشان می‌دهند.

مقایسه میانگین سن ازدواج بین مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که همواره طی دوره مورد بررسی، اختلاف سن در اولین ازدواج بین مردان و زنان در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی بوده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۵ اختلاف میانگین سن در اولین ازدواج بین مردان و زنان در مناطق شهری ۱/۱ سال بیشتر از مناطق روستایی بوده است. در سال ۱۳۹۵ اختلاف سنی ازدواج بین مردان و زنان در مناطق روستایی ۰/۱ سال بیشتر از مناطق شهری بوده است. در مجموع در سال‌های اخیر شاهد همگرایی الگوی سنی ازدواج در مناطق شهری و روستایی هستیم؛ ولی هنوز اختلاف معنی‌داری بین زن و مرد وجود دارد.

بررسی سن زوج و زوجه در سه مقطع زمانی ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان

می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیشترین فراوانی ازدواج هم برای زنان و هم برای مردان در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله بوده است. در سال ۱۳۹۵ نیز بیشترین فراوانی ازدواج زنان برای گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و برای مردان، گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله بوده است که با میانگین سن در اولین ازدواج حاصل از نتایج سرشماری مطابقت دارد (سالنامه آماری ایران، ۱۴۰۰).

جدول شماره (۱). میانگین سن ازدواج‌های رخ داده در سال ۱۳۹۸ در استان ایلام

زن			مرد		
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل
۲۵/۲	۲۶/۲	۲۶/۱	۳۰/۲	۳۰/۵	۳۰/۴

در مقابل روند کاهشی نسبت ازدواج‌کرده‌ها در سال ۱۳۹۹، داده‌های جدول بالا بیانگر افزایش میانگین سن ازدواج‌های رخ داده در استان ایلام است. چنانکه مشاهده می‌شود میزان تغییرات نسبت میانگین سن ازدواج‌های رخ داده مردان و زنان شهری در سال ۱۳۹۸ تقریباً نزدیک به یکدیگر می‌باشد. مقایسه این تغییرات نشان می‌دهد سرعت افزایش ازدواج نکردن بیش از سرعت کاهش ازدواج کردن بوده است که بخشی از آن را می‌توان متأثر از تحولات ساختاری جمعیت دانست.

جدول شماره (۲). میانگین سن ازدواج‌های بار اول رخ داده در سال ۱۳۹۸ در استان ایلام

زن			مرد		
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل
۲۴/۶	۲۵/۶	۲۵/۴	۲۹/۰	۲۹/۱	۲۹/۱

آمار جدول شماره ۲ بیانگر افزایش میانگین سن ازدواج‌های بار اول رخ داده در سال ۱۳۹۸ می‌باشد؛ به طوری که کاهش نسبت میانگین سن

ازدواج دختران روستایی نسبت به پسران روستایی ملموس است. میانگین سنی ازدواج دختران در حدود ۲۵ سال واقعیتی است که از مجموعه عوامل تأثیرگذار در توسعه جامعه، به ویژه افزایش تحصیلات در سطوح عمومی و دانشگاهی متأثر شده است. رویگردانی از ازدواج و یا تأخر در سن ازدواج یکی از مهمترین ابعاد دگرگونی پدیده ازدواج بوده و به تبع آن برخی از شاخص‌های جمعیتی نظیر باروری تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته است و مسیر نزولی خود را طی می‌کند. تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی رخ داده در دهه اخیر سبب ایجاد تغییراتی در حوزه‌های مختلف جامعه از جمله سن ازدواج شده و آن را در مراحل انتقالی قرار داده است. داده‌های جدول بالا بیانگر آن است که در استان ایلام همچون سایر نقاط کشور الگوی غالبی وجود دارد و از عمومیت و میزان ازدواج در مناطق شهری و روستایی کاسته شده و ازدواج توسط عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی، بیکاری، تغییر ارزش‌های مربوط به تشکیل خانواده، تغییر در معیارها و ملاک‌های همسرگزینی، جدایی محل کار و زندگی و ... باعث افزایش سن ازدواج شده است.

جدول شماره (۳). تعداد واقعه ازدواج در کشور و استان ایلام

سال (فصل بهار)	مجموع ازدواج در کشور	مجموع ازدواج در استان ایلام
۱۳۹۹	۱۲۷۳۱۸	۱۱۷۱
۱۳۹۸	۱۴۳۸۴۰	۱۲۵۰

آمار منتشرشده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، حاکی از روند کاهشی واقعه ازدواج از بهار سال ۱۳۹۹ به بعد نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۸ در سطوح کشوری و استانی است. این امر محققان را به تأمل واداشت تا علل مؤثر بر تغییر الگوی حاکم بر تغییر سن ازدواج را مورد بررسی و مذاقه قرار دهند. با اذعان به این مطلب که بافت فرهنگی و اجتماعی شهر ایلام سنتی است و خانواده‌ها به مسائل ارزشی و دینی، از جمله توجه به ازدواج جوانان پایبند هستند، این سؤال در ذهن

پژوهشگران شکل گرفته است که جدای از مشکلات اقتصادی، چه علل و عوامل دیگری در تغییر الگوی سنی ازدواج در بین جوانان روستایی شهر ایلام مؤثر است؟ با توجه به اهمیت این موضوع در ایران و بخصوص در شهر ایلام که این آمار در آن در حال افزایش است و مسائل و مشکلات زیادی را برای خانواده‌ها و جامعه ایجاد کرده و به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است، این مقاله به شناسایی و بررسی زمینه‌ها و بسترهای تشکیل‌دهنده الگوی تغییرات سنی ازدواج در شهر ایلام می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر الگوی ازدواج کدامند؟

مبانی نظری تحقیق

پدیده‌های اجتماعی خصلتی چند بعدی دارند؛ به همین دلیل انتخاب یک رویکرد نظری خاص جهت بررسی آنها امری دشوار و گاه غیرممکن می‌نماید؛ از طرفی نیز هیچ یک از نظریه‌های مربوط به پیامدهای افزایش سن ازدواج دختران و پسران، تبیین جامعی از آن ارائه نمی‌دهند. این نظریه‌ها از برخی جهات با یکدیگر تداخل دارند و از پاره‌ای جهات می‌توانند با هم ترکیب شوند تا درک معقولی از جوانب عمده افزایش سن ازدواج و پیامدهای آن را فراهم سازند. بر این مبنا سعی این مطالعه بر این است که از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی، به شناخت و تبیین بهتری از افزایش سن ازدواج و دلایل و پیامدهای آن دست یابد.

بر اساس نظریه مرتن^۱، هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی یا به طور کلی‌تر در ساختار جامعه هماهنگ باشند، مثلاً هر دو کنش وسایل و اهداف سنتی را دنبال کنند یا هر دو عقلانی و حقوقی باشند، آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود؛ ولی چنانچه اهداف ارزشی یا عاطفی باشند اما وسیله وصول به آنها عقلانی باشد، دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبه‌رو نخواهیم بود (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶). بر این مبنا در جامعه

1. Merton

ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یک هدف ارزشی و عاطفی مطرح می‌باشد؛ ولی مسیرها و امکانات وصول به آن کاملاً عقلانی است؛ از این رو، این موضوع منجر به آشفتگی و بی‌سامانی جامعه شده است. تئوری‌گزینش معقولانه هکتور از دیدگاه فایده‌گرایانه به ازدواج می‌نگرد. متفکرانی که بر اساس این تئوری به تبیین عمل جمعی می‌پردازند، بر این باورند که مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آنها در آن رفتارها بیشتر تأمین می‌شود. این تئوری معتقد است این افراد آگاه و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه‌کرد سود خود هستند (حقیقی، ۱۳۹۴: ۳۸).

از منظر هانجال^۱ چنانچه فرد از خودکفایی اقتصادی بالاتری برخوردار باشد، گرایش وی به ازدواج کمتر از زمانی است که نسبت این خودکفایی در وی کمتر است (منچ و همکاران، ۲۰۰۵: ۷). به زعم بکر^۲، افراد زمانی تن به ازدواج می‌دهند که منافع محاسبه‌شده (صرفه‌های مقیاس و تخصص نیروی کار) ازدواج از هزینه‌های محاسبه‌شده (هزینه‌های مالی و کسب حداقل استانداردهای زندگی) آن بیشتر باشد. نظریه مین^۳ بر این باور است که آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه بر افزایش سن ازدواج تأثیر دارد (مین، ۱۹۹۷). نظریه مک دونلد و هیول^۴ نیز بر سنجش تأثیر تحصیلات و آزادی انتخاب بر تأخیر ازدواج حکایت دارد. بر اساس نظریه اینگلهارت^۵، تضعیف ارزش‌های مادی و در مقابل، گسترش ارزش‌های فرامادی در جامعه، در نتیجه توسعه اقتصادی بلندمدت باعث تأخیر در ازدواج می‌شود. خانواده که با نیاز ایمنی و امنیت ارتباط دارد، جزء ارزش‌های مادی است، در نتیجه در جامعه مدرن رو به زوال می‌نهد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳). بر اساس نظریه گذار جمعیتی دوم، تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان سکولاریزاسیون، سلاقی

1. Hector
2. Hanjal
3. Becker
4. Minh
5. Hiyol
6. Ingel Hart

افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر می‌دهد، در نتیجه باعث ازدواج می‌شود. ضمن آنکه بر اساس این نظریه، هرچه میزان محدودیت اعمال شده از طرف خانواده‌ها بر نسل جوان‌تر کمتر باشد، آنها نسبت به پذیرش رفتارهایی که به قبول مسئولیت و تعهد ختم می‌شوند، بی‌خیال‌تر هستند، در نتیجه ازدواج آنان (به عنوان نمودی از این رفتارها) دچار تأخیر می‌شود. نظریه اوپنهایمر^۱ بر پایه مفهوم بازار ازدواج موضوع تعویق ازدواج را برای مردان و زنان توضیح می‌دهد. وی معتقد است امروزه انتخاب شریک برای زندگی نسبت به گذشته پیچیده‌تر شده است و در رابطه با اینکه چرا زنان دیرتر ازدواج می‌کنند، اولین تبیینی که در این خصوص ارائه می‌دهد، راجع به تغییر نقش‌های جنسیتی است. در گذشته زنان در سنین پایین ازدواج می‌کردند؛ چراکه اطلاعات مورد نیاز آنها برای موفقیتشان در بازار ازدواج، از قبل در سنین مورد نظر برای آنها فراهم بود؛ اطلاعاتی مانند ویژگی‌های پایه فردی و شخصی، جذابیت فیزیکی، تعهد مذهبی یا زمینه اجتماعی؛ اما طبق نظر اوپنهایمر، ورود زنان به مشاغل پرداختی، معیار تعیین سن ازدواج آنها را تغییر داده است و اهمیت درآمد یک زن روز به روز در حال رشد است. این جریان بدین معناست که حتی در مورد زنان باید تا زمانی که اطلاعات راجع به پتانسیل کسب آنها فراهم شود، منتظر بود؛ بنابراین، از نظر وی انتظار می‌رود که زنان با تحصیلات بالاتر دیرتر ازدواج کنند؛ اما در نهایت شانس ازدواج کردن آنها بیشتر خواهد شد (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۱۵). وی همچنین بر این عقیده است که یکی از دلایل تأخیر ازدواج توسط مردان به وخامت وضعیت اقتصادی آنان برمی‌گردد. این وخامت بر میزان درآمد و سبک زندگی دلخواه مردان تأثیر می‌گذارد.

تورنتون آکسین و تیچمان^۲ با استفاده از نظریه نقش و انتظارات هنجاری به تبیین ارتباط بین تحصیلات و ازدواج پرداخته‌اند. از منظر آنها دختران در حین تحصیل گرایش کمتری به ازدواج دارند. دلیل آن نیز در سه

1. Oppenheimer
2. Thornton Auxin and Tichmann

مورد نهفته است: اول، دانشجویان هنوز آمادگی لازم برای تقبل نقش‌های بزرگسالی را ندارند؛ دوم، تحصیل وقتی را می‌طلبد که امکان وقت گذاشتن برای نقش‌های دیگر فراهم نیست؛ سوم، انتظارات هنجاری وجود دارند مبنی بر اینکه افراد متأهل باید از نظر مالی خودکفا باشد (برودرل، ۱۹۹۷: ۴). انگلند و فارکاس^۱ در تبیین خود از افزایش سن ازدواج بر این باورند که افزایش سرمایه انسانی، عامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج است. آنها در نظریه خود اشاره می‌کنند افراد با تحصیلات بالاتر و شغل بهتر بیش از بقیه جذب بازار ازدواج می‌شوند.

نظریه نوسازی گود^۲ بر تأثیر صنعتی شدن بر انگاره‌های ازدواج تأکید دارد. وی معتقد است که نوسازی هم در سطح جامعه و هم در سطح فردی بر زمان‌بندی ازدواج تأثیر می‌گذارد. مهمترین نیروهای مدرن مؤثر بر این زمان‌بندی ازدواج، عبارتند از: گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی و شهری شدن. در تحلیل گود، ازدواج ترتیب داده شده عامل کلیدی است که نقش واسطه را در بین اثرات تغییرات اجتماعی و موقعیت اجتماعی عروس و داماد بر زمان‌بندی ازدواج بازی می‌کند. نظریه نوسازی بر این فرض است که در فرایند نوسازی، افراد با موقعیت اجتماعی بالاتر (تحصیلات بالاتر، نقش‌های شغلی مدرن و ...) خواهان آزادی بیشتری هستند، در نتیجه گرایش دارند دیرتر ازدواج کنند (مین، ۱۹۹۷: ۲).

از میان نظریه‌های جمعیت‌شناسی، نظریه گذار جمعیتی دوم به تحلیل پدیده تأخیر ازدواج و دلایل افزایش سن ازدواج در بین مردان و بخصوص زنان پرداخته است. این نظریه به تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) در افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلايق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث افزایش سن ازدواج شده است (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۶).

1. England and Farcas
2. Good modernization theory

پیشینه پژوهش

در جدول زیر خلاصه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص علل افزایش سن ازدواج ارائه شده است:

جدول شماره (۴). پیشینه داخلی و خارجی

سال	پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
۱۴۰۰	تاجبخش	رابطه متغیرهای اقتصادی با افزایش سن ازدواج	وجود رابطه بین عوامل اقتصادی و افزایش سن ازدواج تأیید می‌شود.
۱۳۹۹	مروت و همکاران	عوامل مؤثر بر تمایل به زندگی مجردی	فردگرایی، اعتماد اجتماعی و نگرش مثبت به اشتغال زنان در تمایل به زندگی مجردی اثرگذار است.
۱۳۹۷	انتظاری و همکاران	عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران	وجود رابطه معکوس بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سن ازدواج بیانگر تغییر در سبک زندگی خانواده و نظام ارزش‌های اجتماعی است.
۱۳۹۷	فروتن	رویکرد اجتماعی به الگوهای ازدواج در ایران	الگوهای کلی مرتبط با ازدواج به طور برجسته‌ای تحت تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی از قبیل سن، جنس و محل سکونت؛ همچنین مؤلفه‌های مرتبط با نگرش جنسیتی و دینداری است.
۱۳۹۶	زارع و حسینی	بررسی عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج	نگرش تحت تأثیر متغیرهایی همچون تحصیلات و درآمد زنان و مردان، برخورداری از وسایل رفاهی و شهرنشینی است.
۱۳۹۵	التجایی و عزیزاده	علل افزایش سن ازدواج	متغیرهای تورم و بیکاری بر سن ازدواج مردان و زنان افزوده است.
۱۳۹۵	طاهری و همکاران	بررسی موانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه ایلام	موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سر راه ازدواج وجود دارد.
۱۳۹۴	محمدپور و تقوی	عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان	سختگیری خانواده‌ها، لذت بردن از دوران مجرد و سطح انتظارات جوانان با بالا رفتن سن ازدواج ارتباط معنادار دارد.

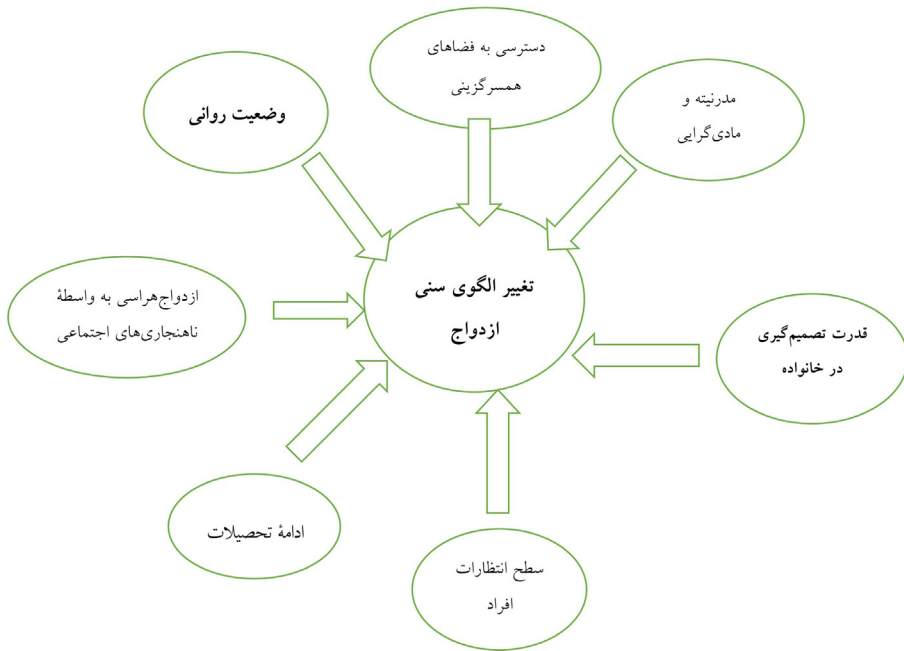
سال	پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
۱۳۹۳	فولادی	تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی	ناهمزمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی با بلوغ اجتماعی و اقتصادی از عوامل اصلی افزایش سن ازدواج است.
۱۳۹۳	طیبی‌نیا	میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن	اکثریت جوانان تمایل به ازدواج دارند.
۱۳۹۲	حسینی و گراوند	سنجش عوامل موثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن ازدواج در شهر کوههدشت	نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال مالی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان از عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج است.
۱۳۹۱	مرادی و صفاریان	عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان	میان مؤلفه‌هایی مثل دیدگاه اشخاص به تساوی جنسیتی، تحصیلات، میزان توقعات و مقدار خشنودی از مجرد ارتباط مشخصی وجود دارد.
۱۳۹۱	مقدس‌زاده اردبیلی	عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج جوانان	ناهنجاری‌های اجتماعی، عوامل اجتماعی، وضعیت اقتصادی خانواده و وضعیت روانی جوانان در تأخر سن ازدواج دخیل است.
۱۳۹۱	میرسندهی و محمدی قلعه‌سفیدی	رابطه تحصیلات زنان و افزایش سن ازدواج آنها	تحصیلات بر افزایش سن ازدواج زنان تأثیر دارد.
۱۳۹۰	حبیب‌پور کتابی و غفاری	علل افزایش سن ازدواج دختران	دختران تحصیلکرده نگرش فرامادی به ازدواج دارند و معتقدند با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته پیش از ازدواج است.



سال	پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
۲۰۱۷	کلودیا گیست	علل افزایش سن ازدواج در آمریکا	عوامل اقتصادی و برابری جنسیتی باعث تغییر در سن ازدواج می‌شوند.
۲۰۱۶	مایکل جبل و استفانی هین	علل افزایش سن ازدواج دختران در اردن	رشد تحصیلی و تحصیلات در مقاطع بالاتر باعث افزایش سن ازدواج شده است.
۲۰۱۳	وانگ و داگلاس	تجرد دختران در چین	تجرد دختران بالای ۳۰ سال یک ضد ارزش محسوب می‌شود و ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی به این زنان برای ازدواج فشار می‌آورد.
۲۰۱۱	شارپ و گونانگ	افزایش تجرد	علی‌رغم رشد تعداد مجردها، آرمان ازدواج و فرزندآوری در جامعه مستحکم، فراگیر و بلامنازع است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های داخلی و خارجی ذکر شده در مقاله حاضر حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد.

مدل نظری پژوهش



روش پژوهش

این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر الگوی تغییر سن ازدواج در بین جوانان روستایی شهر ایلام می‌پردازد. بر این مبنا سؤال اصلی پژوهش این است که علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر الگوی ازدواج کدامند؟ در این مقاله ۷ فرضیه از طریق آزمون همبستگی مورد بررسی قرار گرفت.

پژوهش حاضر با توجه به موضوع مورد مطالعه، از نظر کنترل شرایط پژوهش، پیمایشی و از نوع توصیفی است؛ همچنین از نظر هدف، کاربردی، از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی (سال ۱۳۹۹) می‌باشد. در اجرای این پژوهش از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شد. متغیر وابسته در این تحقیق، بررسی تغییر الگوی حاکم بر سن ازدواج است.

جامعه آماری تحقیق نیز شامل کلیه زنان و مردان واقع در گروه سنی ۱۸-۴۰ سال روستاهای شهرستان ایلام بود که تعداد آنها بر اساس گزارش سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۱۸۷۱۵ نفر است. حجم نمونه به تعداد ۳۷۵ نفر از طریق جدول مورگان انتخاب شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید. برای گردآوری اطلاعات نیز از پرسشنامه محقق‌ساخته بهره گرفته شد که در دو بخش اصلی طراحی و تنظیم شده بود: بخش اول، شامل ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی و بخش دوم، شامل مجموعه‌ای از گویه‌های طراحی شده بر روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که به سنجش نگرش پاسخگویان در مورد عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر افزایش سن ازدواج می‌پردازد و روایی آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد. ضرایب آلفای مقیاس برابر با ۰/۷۵۵ برآورد گردید. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۱۷ تجزیه و تحلیل شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌شود. شاخص‌های آماری توصیفی مورد استفاده، عبارتند از: جدول‌های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد (جهت عینی‌تر شدن نتایج به دست آمده). از طرفی نیز به منظور تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۵). اطلاعات توصیفی مصاحبه‌شوندگان

درصد	فراوانی	متغیر	
۵۶	۲۱۰	مرد	جنسیت
۴۴	۱۶۵	زن	
۱۷/۵	۳۷	زیر دیپلم	تحصیلات مرد
۲۳/۵	۴۹	دیپلم	
۲۰/۳	۴۳	کاردانی	
۳۸/۷	۸۱	کارشناسی و بالاتر	
۳۹/۷	۶۵	زیر دیپلم	تحصیلات زن
۲۲	۳۶	دیپلم	
۱۵/۳	۲۶	کاردانی	
۲۳	۳۸	کارشناسی و بالاتر	
۳۸/۷	۱۴۵	سطح پایین	درآمد
۵۲/۴	۱۹۷	سطح متوسط	
۸/۹	۳۳	سطح بالا	
۱۰۰	۳۷۵	مجموع مصاحبه‌شوندگان	

یافته‌های جمعیتی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۵۶ درصد نمونه مورد مطالعه را مردان و ۴۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۱۷/۵ درصد از پاسخگویان مرد از نظر سطح تحصیلات، زیر دیپلم بوده‌اند، ۲۳/۵ درصد از آنان دیپلم، ۲۰/۳ درصد کاردانی و ۳۸/۷ درصد مدرک کارشناسی و بالاتر داشته‌اند؛ همچنین تحصیلات ۶۱/۷ درصد از پاسخگویان زن، دیپلم و زیر دیپلم، ۱۵/۳ درصد کاردانی و ۲۳ درصد کارشناسی و بالاتر بوده است.

خانواده‌ها از نظر متغیر پایگاه اقتصادی و متوسط سطح درآمد در ماه، به ترتیب ۳۸/۷ درصد درآمد پایین، ۵۲/۴ درصد درآمد متوسط و ۸/۹ درصد درآمد بالا داشته‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

در این پژوهش با توجه به اهداف تحقیق و سطح سنجش متغیرها، جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی استفاده شده است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

جدول شماره (۶). همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته (تغییر الگوی سن ازدواج)

ردیف	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری	نوع رابطه
۱	سطح انتظارات افراد	۰/۴۱۹	۰/۰۰۱	مستقیم
۲	ازدواج هراسی به واسطه ناهنجاری‌های اجتماعی	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰	مستقیم
۳	قدرت تصمیم‌گیری در خانواده	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	مستقیم
۴	مدرنیته و مادی‌گرایی	۰/۲۹۱	۰/۰۰۰	مستقیم
۵	دسترسی به فضاهای همسرگزینی	۰/۵۰۲	۰/۰۰۱	مستقیم
۶	ادامه تحصیلات	۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	مستقیم
۷	وضعیت روانی جوانان	۰/۴۳۷	۰/۰۰۰	مستقیم

همان‌گونه که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است فرضیه اول تحقیق به بررسی رابطه بین متغیر مستقل سطح انتظارات و متغیر وابسته (تغییر الگوی سن ازدواج) می‌پردازد که رابطه مستقیم بین آنها وجود دارد. این به آن معناست که با افزایش سطح انتظارات جوانان روستایی، سن ازدواج آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه میان ازدواج هراسی به واسطه وجود ناهنجاری‌های اجتماعی و تغییر الگوی ازدواج می‌پردازد که رابطه

مستقیم بین آنها برقرار است؛ یعنی با افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی در بین جوانان و وجود ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نظیر طلاق، خشونت‌های خانوادگی، روابط فرازنشویی و ...، سن ازدواج آنان افزایش می‌یابد. این نتیجه فرضیه دوم تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود که میان قدرت تصمیم‌گیری در خانواده نسبت به ازدواج و سن ازدواج رابطه معنادار وجود دارد و این رابطه از نوع مستقیم است؛ بنابراین در صورتی که خانواده‌ها جوانان خود را حین ازدواج همراهی نکنند و سختگیری‌های بی‌مورد و اعمال قدرت در انتخاب همسر داشته باشند، این مسئله منجر به افزایش سن ازدواج آنان خواهد شد. با این یافته، فرضیه سوم تحقیق نیز تأیید می‌شود. فرضیه چهارم تحقیق که از رابطه مستقیم بین مدرنیته و مادی‌گرایی و سن ازدواج سخن می‌گوید با استفاده از داده‌های جدول شماره (۶) تأیید شد. بر این مبنا مظاهر نوگرایی نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی و سایر صور آن مانند پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سیستم‌های ارتباطی و ... باعث ایجاد تغییراتی در سن ازدواج شده است؛ همچنین اطلاعات این جدول نشانگر آن است که میان دسترسی به فضاهای همسرگزینی و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد. با افزایش دسترسی به فضاهای همسرگزینی متنوع، نظیر دانشگاه، پارک، سالن ورزشی، اماکن هنری و ... سن ازدواج جوانان افزایش می‌یابد؛ بنابراین این همبستگی به صورت مثبت معنادار است؛ از این رو فرضیه پنجم هم تأیید می‌شود.

بنا بر داده‌های جدول همبستگی، بین ادامه تحصیلات و سن ازدواج، رابطه معنادار وجود دارد؛ به این معنا که نوع نگاه به ادامه تحصیلات و افزایش میزان آن در حوزه تحصیلات دانشگاهی به نوعی افزایش در سن ازدواج آنان را نیز به دنبال دارد؛ بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که فرضیه ششم نیز تأیید می‌شود.

فرضیه هفتم به ارتباط بین وضعیت روانی افراد و سن ازدواج می‌پردازد. مطابق با نتایج به دست آمده می‌توان چنین عنوان کرد که وضعیت روانی افراد و میزان مسئولیت‌پذیری آنان در افزایش یا کاهش گرایش به تشکیل خانواده تأثیر دارد، لذا فرضیه مذکور تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

تشکیل خانواده و ازدواج در جامعه ما از اهمیت وافری برخوردار بوده و به ارزش گذاری آن هم در مبانی دینی و هم در عرف توجه شده است؛ از این رو، می توان خانواده را گسترده ترین و مهمترین نهاد اجتماعی دانست؛ به طوری که در تجربه زیسته و زندگی روزمره انسان ها، نقشی اساسی دارد؛ از این رو، در سیاست گذاری و برنامه ریزی های توسعه نمی توان به تحولات و تأثیرات متقابل جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه بی اعتنا بود. همبستگی بین ازدواج و دیگر شاخص های جمعیتی همچون باروری به معنای رابطه متقابلی است که بین متغیرهای مختلف وجود دارد. آنچه امروزه موضوع خانواده را مسئله مند می نماید تغییراتی است که در حیطه تداوم ازدواج صورت گرفته است. با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، الگوی سنتی خانواده به تدریج دچار تغییر شده است؛ به نحوی که امروزه با چالش بسیار مهمی مانند رویگردانی از ازدواج و گرایش به زندگی مجردی روبه رو هستیم.

در این پژوهش که به بررسی عوامل مؤثر بر الگوی تغییر سن ازدواج در بین جوانان روستایی شهر ایلام پرداخت، ۷ فرضیه از طریق آزمون همبستگی مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی و در سطح توصیفی است. جامعه آماری آن نیز شامل کلیه زنان و مردان واقع در گروه سنی ۱۸-۴۰ سال روستاهای شهرستان ایلام بود. حجم نمونه به تعداد ۳۷۵ نفر از طریق جدول مورگان انتخاب شد. در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می دهد که فضاهای همسرگزینی به عنوان یک متغیر اساسی و جدید از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ به نحوی که هرچه میزان دسترسی به فضاهای همسرگزینی بیشتر باشد، امکان دیرتر ازدواج نمودن، به ویژه برای دختران وجود دارد؛ اگرچه در محیط روستا فضاهای اختصاصی و سالم وجود دارد؛ اما ادامه تحصیلات دانشگاهی دختران و پسران در شهرها و وجود فضاهای مدرن نظیر مراکز خرید، اماکن تفریحی و گردشگری، اماکن آموزشی و ... منجر به خلق فضاهای جدید و

ایجاد لطمه به فرآیند همسرگزینی و افزایش سن ازدواج شده است. از دیگر نتایج پژوهش حاضر آن است که ادامه تحصیل افراد، تأثیر معناداری بر تأخیر در سن ازدواج دارد. این یافته مؤید نظریه «اثر نهاد» اوپنهایمر است که بر اساس آن افراد در حین تحصیل، گرایش کمتری به ازدواج کردن دارند. تورنتون، اکیسن و یتپچمان نیز در تئوری نقش و انتظارات هنجاری خود، تحلیل خوبی از دلایل تأخیر ازدواج در بین افرادی ارائه می‌دهند که مشغول تحصیل هستند. از منظر این اندیشمندان، دانشجویان در حین تحصیل به سه دلیل گرایش کمتری به ازدواج دارند که این دلایل عبارتند از: نداشتن آمادگی لازم برای تقبل نقش‌ها و وظایف بزرگسالی، نداشتن وقت کافی برای نقش‌های غیر از تحصیل و وجود انتظارات هنجاری مبنی بر خود کفایی مالی افراد متأهل. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین تغییر در الگوی سنی ازدواج و سطح توقعات افراد، رابطه معناداری وجود دارد؛ به عبارتی، بالارفتن سطح انتظارات افراد، عامل مهمی در تغییر الگوهای حاکم بر سن ازدواج است. بر این مبنا خانواده‌ها و جوانان باید ضمن کوچ کردن از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی و کاستن از توقعات خود راجع به ازدواج، توجه به معیارهای معنوی و مذهبی و کم‌توجهی به ملاک‌های مادی در انتخاب همسر، زمینه افزایش ازدواج و نگرش مثبت به آن را در جوانان تقویت کنند.

تئوری اجتناب از خطر بر این عقیده استوار است که جوانان به موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، حساسیت بیشتری نشان می‌دهند؛ از این رو، زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی قرار می‌گیرند از ریسک‌های غیرضروری در زندگی خود پرهیز می‌کنند. بر این اساس با توجه به یافته‌های پژوهش در ارتباط با متغیر وضعیت روحی و روانی جوانان در ارتباط با تشکیل خانواده و ازدواج می‌توان استدلال نمود اگرچه ازدواج برای جوانان منافع دارد؛ ولی احساس ناامنی اقتصادی و بیکاری و ... ریسک ازدواج را افزایش می‌دهد.

گذار جامعه از سنتی به مدرن و تغییر بار معنایی ازدواج و بازتعریف آن به عنوان امری فرامادی و عواملی نظیر صنعتی‌شدن و شهرنشینی نقش مهمی در تغییر الگوهای حاکم بر سن ازدواج داشته است. مطابق

نظریه‌های نوسازی، طی فرآیندی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و ساختارهای اجتماعی سنتی رو به اضمحلال می‌نهند و ارزش‌های مدرن جایگزین آنها می‌شود؛ بر این مبنا، عناصر سنتی ازدواج در جوامع در حال توسعه، سرانجام به سمت مدل جهانشمول خانواده‌ی مدرن در جوامع توسعه‌یافته با ویژگی‌هایی مانند فردمحوری، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت. این موضوع تا حدودی اهمیت توجه به آداب و رسوم سنتی و قدیمی جامعه را متذکر می‌شود که ممکن است در اثر پدیده‌ی مدرنیته و صنعتی شدن الگوی سنی ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر الگوی ازدواج ضروری به نظر می‌رسد. نمود این مطلب را می‌توان در افزایش میزان تحصیلات در کشور مشاهده کرد؛ لذا وضع قوانین مناسب و به‌روز در جهت تعدیل و عقلانی کردن میزان آن از سوی مراکز قانونگذار، خود اثر تعدیل‌کننده‌ای بر الگوی سنی ازدواج خواهد داشت؛ به عنوان مثال در کشور هند، ورود به مدرسه از ۵ سالگی آغاز می‌شود؛ اما همچون کشور ایران، دوران ابتدایی تا متوسطه حدود ۱۲ سال زمان می‌برد و طول دوران دوره‌ی کارشناسی ۳ سال، کارشناسی ارشد در برخی دانشگاه‌ها ۱ سال و دوره‌ی دکترا بین ۳ تا ۴ سال است. از سویی، امروزه ایجاد تغییرات اساسی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه، موجب ازدواج‌هراسی و رویگردانی از تشکیل آن شده است. عواملی کلیدی مانند افزایش نرخ طلاق قانونی، سردی روابط عاطفی زوجین، روابط فرازناشویی در سطوح عاطفی، جنسی یا ترکیبی، نزاع‌های خانوادگی و ... باعث افزایش پذیرش ایده‌ی آزادی عمل در اقدام به ازدواج و در عین حال کاهش ضرورت اجتماعی ازدواج شده است. مطابق بر نظریه‌ی آنتونی گیدنز، مهمترین آفت اجتماعی در جامعه، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه است؛ بر این مبنا، بی‌اعتمادی در روابط و تعاملات اجتماعی و انواع انحرافات اخلاقی از سطح کلان جامعه به سطح خانواده تسری می‌یابد و نقطه‌ی عطف آن در تشکیل خانواده است.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های تاج‌بخش (۱۴۰۰)، مروت و همکاران (۱۳۹۹)، انتظاری و همکاران (۱۳۹۷)، طاهری و همکاران (۱۳۹۵)،

زارع و حسینی (۱۳۹۶)، حقیری (۱۳۹۴)، کلودیا گیست (۲۰۱۷) و مایکل جبل و استفانی هین (۲۰۱۶) همخوانی و همسویی دارد.

پیشنهادها

در خصوص ایجاد انگیزه برای جوانان جهت ازدواج، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد فرصت‌های شغلی و امنیت شغلی برای جوانان؛
- ارائه و افزایش تسهیلات مالی ازدواج و تأمین مسکن مناسب؛
- بسترسازی و فرهنگ‌سازی ازدواج آسان و پایدار در جامعه از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری و مراکز آموزشی، دانشگاهی و مذهبی.
- ایجاد و توسعه مراکز مشاوره‌ای و مددکاری در مناطق محروم و کم‌برخوردار در جهت افزایش نشاط و شادابی و امید به زندگی در بین جوانان و کاستن از مسائل و مشکلات روحی و روانی آنها؛
- نگاه ویژه خانواده‌ها به تحولات رخ داده در جامعه کنونی متأثر از مدرنیتیه و ضرورت انتخاب رویکرد تعادلی در جهت همنوایی با جوانان در خصوص تشکیل خانواده.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- التجائی، ابراهیم و مینا عزیززاده (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران یک مطالعه میان‌استانی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷(۳)، صص ۱-۱۹.
- انتظاری، اردشیر، احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰(۳۴)، ۲۰۱-۲۶۹.
- اینگهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفت صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰)، «رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت»، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹ (۳۳)، صص ۸۲-۱۰۳.
- تنهایی، حسین (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: مرنديز.
- حبیب‌پور کتابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، ۱ (۹)، صص ۷-۳۴.
- حسینی، حاتم و مریم گراوند (۱۳۹۲)، «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن ازدواج در شهر کوه‌دشت»، زن در توسعه و سیاست، ۱ (۱۶)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- حقیری، سعیده (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد بروجرد.
- زارع مهرجردی، راحله و قربان حسینی (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳ (۸)، صص ۱۸-۴۱.
- سالنامه آماری ایران؛ (۱۴۰۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، <https://www.amar.org.ir>
- طاهری، زهرا، مرضیه مهربانی و مریم قاسمپور (۱۳۹۷)، «بررسی موانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه ایلام»، فرهنگ ایلام، ۱۹ (۶۰-۶۱)، صص ۱۸۲-۲۰۶.
- طیبی‌نیا، موسی (۱۳۹۳)، «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۵ (۱۶)، صص ۶۳-۸۶.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۷)، «رویکرد اجتماعی به الگوی ازدواج در ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۶)، صص ۹-۳۶.
- فولادی، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۵ (۴)، صص ۷۷-۱۰۴.
- محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۴)، «عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج جوانان»، مطالعات جامعه‌شناختی، ۵ (۲۰)، صص ۳۹-۵۳.

- مرادى، گل مراد و محسن صفارىيان (۱۳۹۱)، «عوامل اجتماعى و اقتصادى مرتبط با افزايش سن ازدواج جوانان»، مطالعات جامعه‌شناختى جوانان، ۳(۷)، صص ۸۱-۱۰۸.
- مروت، برزو، حسين دهقان و حسنعلی امید (۱۳۹۹)، «عوامل مؤثر بر تمايل به ادامهٔ زندگى مجردى در بين جوانان شهر قم»، مطالعات جمعيتى، ۶(۱)، ۶۷-۸۹.
- مقدس‌زاده اردبیلی، شهره (۱۳۹۱)، «عوامل مؤثر بر تأخير ازدواج جوانان»، مطالعات جامعه‌شناختى جوانان، ۴(۹)، صص ۹۱-۱۱۸.
- مهاجرانى، على اصغر (۱۳۸۹)، «تحول وضع زناشويى و تغيير الكوى ازدواج در ايران»، علوم اجتماعى، ۱۱(۴)، صص ۴۱-۵۳.
- ميرسندسى، سيدمحمد و مصطفى محمدى قلعه‌سفيدى (۱۳۹۰)، «بررسى رابطهٔ تحصيلات زنان با افزايش سن ازدواج آنها»، فرهنگى دفاعى زنان و خانواده، ۵(۱۷)، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- نيازى، محسن، محسن شاطريان و الهام شفائى مقدم (۱۳۹۴)، «بررسى نقش عوامل اجتماعى، فرهنگى و اقتصادى مؤثر در نگرش منفى به ازدواج»، جامعه‌پژوهى فرهنگى، ۶(۲)، ۵۸-۲۷.

ب) انگليسى

- Bruderl, Josef (1997), Education and marriage: A Comparative Study, Institute of Sociology, Munich Andreas Diekmann, Institute of Sociology, Berne, May.
- Claudia Geist (2017). Marriage Formation in Context: Four Decades in Comparative Perspective, Department of Sociology, University of Utah, 380 S 1530 E RM 301, Salt Lake City, UT 84112, USA; 6(1), 9, from: <https://doi.org/10.3390/socsci6010009>
- Gebel, M., & Heyne, S. (2016). "Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan". Research in Social Stratification



- and Mobility, 46, PP 61-72.
- Hamplova, Dana (2003), Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology Review, 2003, vol. 39, No. 6: 841-863.
 - Mensch, Barbara S. And et al. (2005), Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World, The Population Council, Inc., New York.
 - Minh, N (1997), Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinats, Asia-Pacific Population Journal, Vol. 12. No. 2, June.
 - Sharp, A. Elizabeth & Ganong Lawrence, (2011), ‘‘I’m a Loser, I’m Not Married, Let’s Just All Look at Me: Ever-Single Women’s Perceptions of Their Social Environment’’, «Journal of Family Issues», 20 January 2011, 32(7), pp 956 –980.
 - Wang, Haiping ,& Abbott , A. Douglas,(2013),’’ Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou’’, «Women’s Studies International Forum», Volume 40, ptember–October 2013, pp 222-229.